

درس ۲۸ مرداد

از لحاظ نهضت ملی ایران و

از لحاظ رهبران خائن حزب توده

خلیل ملکی

www.ketab.ir

سرشناسه	ملکی، خلیل، ۱۳۴۸-۱۳۸۰.
عنوان و نام پدیدآور	: درس ۲۸ مرداد از لحاظ نهضت ملی ایران و از لحاظ رهبران خائن حزب توده/ خلیل ملکی.
مشخصات نشر	: تهران: پردیس دانش ۱۳۹۴؛ نشر و پژوهش شیرازه کتاب.
مشخصات ظاهری	: ۳۸۴ص
فروست	: مجموعه تاریخ معاصر ایران - ۶۳
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۰-۱۱۰-۷
فهرست نویسی	: قیفا
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: ایران - تاریخ - پهلوی، ۱۳۵۷-۱۳۵۷ - کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲.
موضوع	: حزب توده ایران.
موضوع	: جمعیت نهضت ملی ایران.
رده بندی کنگره	: DSR5۱۹/۷۳۳ ۱۳۹۳
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۸۳۳۰۴۵
شماره کتاب شناسی ملی	: ۳۷۱۳۲۰۹



درس ۲۸ مرداد از لحاظ نهضت ملی ایران و از لحاظ رهبران خائن حزب توده

نویسنده: خلیل ملکی
انتشارات: پردیس دانش
حروفچینی: افسانه شاه کرمی
نسخه پرداز: عقیاب علی احمدی
طراح جلد: پردیس خرمی
چاپ: غزال
تیراژ: ۲۲۰۰ نسخه
چاپ اول: ۱۳۹۴
حق چاپ و نشر محفوظ است.

تهران، صندوق پستی: ۱۱۱-۱۳۱۴۵
تلفن: ۸۸۹۵۳۳۹۷ - فکس: ۸۸۹۵۱۶۹۱
همراه: ۰۹۳۶۹۵۰۰۱۸۲

سایت: www.shirazehketab.net

فهرست

۹	یادداشت دبیر مجموعه
۲۳	سرگذشت ظهور این کتاب / دکتر کمال قائمی
۲۹	۱. مقدمه
	۲. ادعای نامه بر علیه کمیته مرکزی حزب توده (از طرف اعضا)
۴۱	و مسئولین حزب)
۴۷	۳. ایران و دستگاه سیاست بزرگ جهانی
۵۱	۴. نهضت ملی ایران در مقابل قدرت‌های بزرگ جهان
۵۲	الف. انگلستان در مقابل نهضت ملی ایران
۵۵	ب. سیاست آمریکا در مقابل نهضت ملی ایران
۵۹	ج. سیاست شوروی و حزب توده در مقابل نهضت ملی
	۵. ستون فقرات سیاست بعد از جنگ شوروی که تعیین کننده خط‌مشی حزب توده
۷۱	در مسئله نفت و نهضت ملی ایران [بود]
	۶. تبلیغ برلی صلح بین دول بزرگ و تشکیل جبهه واحد برلی خلیج
۷۷	به ستاد زحمت‌کشان جهان!
	هدف «جبهه واحد» کمینفرمیست‌ها در کشورهایی که به این زودی امکان ندارد
۷۹	پشت پرده آهنین بروند
۸۵	۷. هدف نهضت ملی متناقض یا هماهنگ با سیاست جهانی شوروی است؟
	۸. اعتراف سران حزب توده به اشتباه خود دروغ است، آنها مطابق
۹۳	اصلی‌ترین اصل استالین رفتار کرده‌اند

۹. آیا دکتر مصدق مطابق ادعای توده‌لی‌ها در مقابل آمریکا و دربار

- سازشکار بود؟ ۱۰۹
۱. روش مماشات با آمریکا؟ ۱۱۰
۲. روش مماشات با دربار ۱۱۹
۱۰. لیبرالیسم دولت نهضت ملی ۱۳۱
۱۱. جبهه واحد ضد استعمار ۱۴۵
۱۲. تکامل حوادث از ۳۰ تیر تاریخی تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۶۵
- ضد انقلاب را که متشکل کرد؟ ۱۷۴
- پیروزی ۳۰ تیر و شکست ۲۸ مرداد هر کدام مرهون کدام خط‌مشی‌ها بودند؟ ۱۷۸
۱۳. آیا واقعه ۲۸ مرداد قابل اجتناب بود؟ ۱۸۹
۱. هدف اعلام شده ولی مبهم حزب توده از طرفی و روش واقعی حزب توده و روش‌های متناسب با آن هدف‌ها از طرف دیگر ۱۹۰
- اسناد و مدارک از گفته‌های رهبران حزب توده برای نشان دادن هدف واقعی آن حزب که شکست ۲۸ مرداد را طالب بوده است ۱۹۵
- رهبران حزب توده دانسته و فهمیده، به موازات انگلستان نهضت را به بن‌بست ۲۸ مرداد کشاندند ۲۰۵
- بنا به سیاست و هدف و روشی که حزب توده برای نهضت ملی تعیین می‌کند شکست ۲۸ مرداد غیر قابل اجتناب و برای آنان مطلوب است ۲۱۷
۲. هدف و روش‌های نهضت ملی ۲۲۴
- کودتای ۲۸ مرداد یک نمود اجتماعی قابل اجتنابی بود ۲۲۴
- سیاست خارجی نهضت ملی و آمریکا و شوروی ۲۲۸
- سیاست خارجی نهضت ملی و انگلستان و حزب توده ۲۳۲
- لیبرالیسم یا بی‌نقشه‌گی در نهضت ملی ۲۴۲
- حزب ما شرایط پیشرفت پیروزمندانه نهضت را تعیین کرده است ۲۴۷
- واقعه ۲۸ مرداد قابل اجتناب بود ۲۵۴
- راه سوم، راه پیروزی نهضت‌های ملی ۲۶۱
- نیروی سوم، نیرویی که در شاهراه سوم نهضت ملی را به پیروزی نهایی می‌رساند ۲۶۱

۲۷۷	دربارهٔ ۲۸ مرداد [کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران]
۲۷۹	مقدمه
۲۸۱	۱. «چرا باید شکست بخوریم»
۲۸۷	۲. چگونه نباید قضاوت کرد
۲۹۲	۳. دربارهٔ تکامل انقلاب ضدامپریالیستی ایران
۲۹۶	۴. تکامل حوادث از تاریخ ۳۰ تیر ۱۳۳۱ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲
۳۰۵	۵. موانع تکامل انقلاب
۳۱۶	۶. متشکل شدن ضدانقلاب
۳۲۱	۷. تحولات اقتصادی در دوران اخیر
۳۲۶	۸. ۲۸ مرداد، حلقه‌هایی یک سلسله حوادث
۳۳۴	۹. مقایسهٔ ۳۰ تیر با ۲۸ مرداد
۳۴۳	۱۰. چه گفتیم و چه نکردیم؟
۳۴۸	۱۱. علیه تصورات نادرست ذهنی
۳۵۷	۱۲. راه سوم، راه پیروزی مردم نیست
۳۶۱	۱۳. دورنمای آینده
۳۶۷	تصویر نمونه‌هایی چند از متن اصلی
۳۷۵	فهرست اعلام

یادداشت دیر مجموعه

برای احزابی که درگیر فعالیت‌های سیاسی جدی و مستمر هستند، نقد و بازبینی فراز و فرودهای سیاسی یک اصل حیاتی است؛ امری که معمولاً در پی هر دوره مورد توجه قرار می‌گیرد؛ مثلاً در پی دستاوردهای پارلمانی به وقت انتخابات، در نظام‌های دموکراتیک یا پیشامد یک گسست و ناکامی در حوزه‌های غیردموکراتیک. در ایران چون فعالیت حزبی بنا به دلایلی، چون کوتاه‌بودن موسم آزادی‌های سیاسی، اساس چندانی نداشته و ندارد، نقد و بازبینی تجارب پیشین نیز امر متداول و معمولی نیست؛ علاوه بر این حوادث و رخدادهای بیرونی به اندازه‌ای مهم و تعیین‌کننده تلقی می‌شوند که به‌قدرت به بازبینی دیگر موارد احتیاجی احساس می‌شود.

حزب توده ایران به دلیل حضور و جذبه قابل توجه که بیشتر به خامستگاه و ماهیت فرامرزی‌اش مربوط می‌شد، از معدود احزابی بود که می‌توانست استثنایی بر آن قاعده محسوب گردد. به همین جهت در پی پیشامد واقعه ۲۸ مرداد و پرسش‌های فراوانی که از سوی اعضاء و هواداران حزب در مورد نقش بحث‌انگیز رهبری حزب توده در این ماجرا مطرح شد، خود را ملزم دانست که توضیحاتی ارائه کند. رساله درباره ۲۸ مرداد که در بهمن ۱۳۳۲ به صورت مخفی منتشر شد، حاصل این تلاش بود.

از میان دیگر احزاب و گروه‌های ضربه‌خورده در ۲۸ مرداد - تا جایی که اطلاع در دست است - یکی از معدود گروه‌هایی که خود را ملزم دانست در این حوزه گام نهد و در علل و زمینه‌های پیشامد ۲۸ مرداد چون و چرایی بکند، حزب زحمتکشان ملت ایران (نیروی سوم) خلیل ملکی بود. بسیاری از دیگر احزاب و گروه‌های نهضت ملی اصولاً نیازی به این کار ندیدند.

خلیل ملکی به رغم تمام گرفتاری‌های آن دوره، از جمله سپری کردن یک دوره کم و بیش یک‌ساله حبس بعد از ۲۸ مرداد، بر آن شد حتی برای دفاع از نهضت ملی و رد ایرادهای حزب توده هم که شده باشد، مطلبی بنویسد. بخش اعظم آن دوره حبس در قلعه فلک‌الافلاک و در نوعی مصاحبت تحمیلی و آزارنده با تعدادی از توده‌ای‌ها گذشت و به گونه‌ای که از یادداشت‌های خلیل ملکی از آن ایام برمی‌آید، نطفه این بحث و جدل سیاسی از دل رشته مباحثی درآمد که در این دوره میان او و توده‌ای‌ها جریان داشت.^۱

با انتشار رساله درباره ۲۸ مرداد حزب توده در بهمن ۱۳۳۲، بحثی که پیش‌تر جنبه‌ای شفاهی داشت توانست صورتی مکتوب و مستند یابد. کتاب درس ۲۸ مرداد از لحاظ نهضت ملی ایران و از لحاظ رهبران خائن حزب توده به قلم «یکی از دانشجویان نیروی سوم» این صورت مکتوب و مستند بود. متن دست‌نویس در ۲۵۸ صفحه که بخشی از آن نیز - صص ۴۷ تا ۹۴ - احتمالاً برای انتشار در نشریاتی چون نبرد زندگی حروفچینی و صفحه‌بندی شده بود.

این متن که هیچ‌گاه امکان انتشار نیافت، به صورت یک نسخه فتوکپی به همت شادروان مرتضی مظفری، از همراهان نیروی سوم از گزند روزگار حفظ شد و اینک به لطف دکتر کمال قائمی، از دیگر همراهان نیروی سوم، برای انتشار در دسترس قرار گرفته است.

خیانت آگاهانه و نه سهو و اشتباه

خلیل ملکی معتقد است که «... بزرگترین خیانت به نهضت ملت ایران خیانتی است که رهبران حزب توده کردند...» که نه فقط «... قسمتی از بهترین نیروهای اجتماعی ایران را از نهضت ملی و از دامن مادر خود جدا کردند...» بلکه این نیرو را «... بر علیه نهضت ملی [نیز] به کار بردند...»^۲. آنها که «... به جنبش ملت ما این مذمت را می‌کنند که در اواخر مرتکب اشتباهاتی شده است، در درجه اول همان‌هایی هستند که «به وسیله عمال خود سعی و کوشش می‌کردند که آن نواقص و اشتباهات

۱. برای آگاهی بیشتر بنگرید به یادداشت‌های خلیل ملکی در خاطرات زندانیان فلک‌الافلاک (به کوشش سید فرید قاسمی، خرم‌آباد: انتشارات پیغام، ۱۳۷۵)، صص ۳۶-۳۷ و ۵۳-۵۲.

۲. همین مجموعه، ص ۳۶.

به وجود آید...»^۱

در این نوشته خلیل ملکی، همان‌گونه که پیش‌تر نیز در چارچوب مباحثی که در توضیح مبانی نظری عملکرد اتحاد جماهیر شوروی و عوامل آن در قبال نهضت ملی شدن صنعت نفت در نشریات حزب زحمتکشان (نیروی سوم) مطرح کرده بود، رکن اصلی استدلال‌های خود را بر آراء لنین و استالین استوار کرده و بر آن اساس نشان داد که چگونه «... مطابق اصل ستالینی نهضت ملی نباید و نمی‌تواند، به‌تنهایی با غارتگران انگلیسی مبارزه و از تضاد امپریالیستی استفاده کند، بلکه باید مطابق دستور مسکو نهضت ما نیز مانند دیگر مستعمره‌ها و نیمه‌مستعمره‌ها تبدیل به نیروی ذخیره شود و صلح بین پنج دولت را تبلیغ کند تا موقعی که مبارزه هم‌زمان با حرکت ارتش سرخ شروع شد» ... دست به کار شود... «ولی تا آن روز فرا برسد از «مبارزه» خبری نیست و باید برای صلح «پایدار» مبارزه کرد.»^۲

از دیدگاه اتحاد جماهیر شوروی در آن ایام جهان به دو اردوگاه سوسیالیسم و سرمایه‌داری تقسیم می‌شد و بر این اساس، راه سومی نیز متصور نبود. پیروزی نهضت ملی می‌توانست مخاطرات فراوانی را برای مسکو به ارمغان آورد. در درجه اول یک چنین موفقیتی «به ضرر انگلستان مؤتلف [سیاست] صلح بین دول بزرگ شوروی... است و امکان استفاده از نفت شمال را برای همیشه از بین می‌برد...» دوم آن که «به ثمر رسیدن نهضت ملی دکان سیاسی حزب توده را تخته...»^۳ می‌کرد.

از آنجایی که «... به ثمر رسیدن نهضت ملی ناراحتی‌ها را کم می‌کند و امکان به کار بردن نیروی انقلابی طبقات محروم را... بر علیه آمریکا و تنها به نفع شوروی غیر ممکن می‌سازد.»^۴ از منظر شوروی و عامل محلی‌اش حزب توده می‌بایست به هر نحوی که می‌شد، لای چرخ آن چوب گذاشت و یکی از بهترین این انحاء، واداشتن نهضت به اتخاذ «یک برنامه سنگین و انقلابی‌نما بود که با قوه محلی خودش و با استفاده از تناقضات سیاسی جهانی نتواند از امکان‌های موجود استفاده

۱. همین مجموعه، ص ۳۵.

۲. همین مجموعه، ص ۱۰۱.

۳. همین مجموعه، ص ۱۵۷.

۴. همین مجموعه، همان.

کند.^۱ تا در نهایت و در پی ناکامی، حزب توده بگوید: «... دیدید که در دنیا دو اردوگاه بیشتر وجود ندارد، دیدید که پیروزی نهضت ملی بدون آماده بودن اردوگاه «صلح و دموکراسی» برای مبارزه امکان ندارد.»^۲

بر همین اساس خلیل ملکی بر این باور بود که اشتباه خواندن عملکرد رهبران حزب توده در قبال نهضت ملی امر نادرستی است: «آن عده از اعضای حزب توده که کمیته مرکزی را متهم به اشتباه یا حتی خیانت می کنند، سخت در اشتباه اند. باید اعتراف کرد که حزب توده، بهتر و منطقی تر از هر عامل سیاسی دیگر در ایران (منهای انگلستان) نسبت به هدف های خود، آگاهانه و قادر... بود و «... کسی «انترناسیونالیست بی چون و چرا و بدون قید و شرط» است و از «جبهه صلح و دموکراسی» مانند یک انترناسیونالیست مطابق تعریف ستالین پیروی می کند، حق ندارد کمیته مرکزی حزب توده را متهم کند، باید او را ستایش کند که درسی مفید برای فرضیه های توده ای ها داد و با ساقط کردن مصدق به دست آمریکا سعی می کند فرضیه معروف دو اردوگاه خود را صحیح جلوه دهد.»^۳

با روشن شدن تکلیف حزب توده و تبیین اهداف آن، که به هیچ روی پیروزی نهضت ملی را به عنوان یک حرکت مستقل سیاسی بر نمی تافت، خلیل ملکی به بررسی خط مشی ای می پردازد که نهضت ملی می بایست برای تقابل با این مسئله اتخاذ کند.

برخلاف حزب توده که علل ناکامی نهضت را در مماشات دولت دکتر مصدق نسبت به امپریالیسم و ایادی آن جستجو می کرد، خلیل ملکی با تعبیر این «ماشات» به یک بهره برداری منطقی از شکاف های موجود میان قدرت های جهانی — به ویژه میان آمریکا و انگلستان — عامل اصلی ناکامی های بعدی نهضت را مماشات و کوتاهی دولت در برابر تحریکات حزب توده می دانست.

در دوره اول نهضت ملی — تا ۳۰ تیر ۱۳۳۱ — که نهضت از طرف سران حزب توده به «عاملیت امپریالیسم آمریکا» متهم می شد و هدف حمله مستقیم آنها بود، نهضت ملی که نه تنها مستقل از حزب توده بلکه علی رغم ظاهر و باطن آن حزب گاز

۱. همین مجموعه، همان.

۲. همین مجموعه، ص ۱۵۰.

۳. همین مجموعه، ص ۱۹۵.

می‌کرد، تمام پیروزی‌های خود را به‌دست آورد اما از سی تیر تا ۲۸ مرداد که حزب توده تظاهر به ائتلاف و تظاهر به پشتیبانی از نهضت ملی کرد، نهضت آسیب‌پذیر شد و چون برای رفع این آسیب‌پذیری اقدامی صورت نگرفت، توده‌ای‌ها توانستند با سوء استفاده از حس انقلابی جوانان نهضت ملی، شعارهای ضد آمریکا و ضد پایگاه‌های اجتماعی آنان را به نام نهضت به قالب بزنند و برعکس دوره پیش از ۳۰ تیر شکست سیاست خارجی و سیاست داخلی دولت نهضت ملی را به ملت ایران تحمیل کردند.^۱

به نوشته خلیل ملکی حزب توده، برخلاف مدعایش دال بر مظلومیت و ستمدستگی، در دوره نهضت ملی و به‌ویژه در ادوار پایانی آن از آزادی عمل چشمگیری برخوردار بود؛ «نه تنها آزادی‌های دموکراتیک وجود داشت... [بلکه]... متأسفانه مورد استفاده توده‌ای‌ها به نفع انگلیس [نیز] قرار گرفت.» حزب توده رسمیت نداشت. آری، اما «عمل حزب توده اگر مجاز بود چه کاری می‌کرد که در آن دوره نکرد؟ آیا در تمام تهران غیر از دادگستری و مأمورین انتظامی یک بچه شش هفت ساله وجود داشت که نداند به سوی آینده و شهباز ارگان کدام حزبند؟ آیا پیرزن دور از سیاسی وجود داشت که نداند مثلاً «جمعیت مبارزه با استعمار» و «خانه صلح جوانان دموکرات» متعلق به کدام حزب است؟... و از این آزادی عمل نیز جز برای ضربه زدن به نهضت استفاده دیگری نکرد.^۲

حزب توده در این راه از همراهی و مساعدت بخش دیگری از مخالفان نهضت ملی یعنی عناصر متمایل به سیاست بریتانیا برخوردار بود که هر یک به نوعی، با فراهم آوردن آزادی عمل برای حزب توده در جداساختن بخشی از نیروهای محافظه کارتر اجتماعی از دولت، نقش مؤثری ایفا کردند. نیروهایی که پیش‌تر، یعنی در دوران منتهی به ۳۰ تیر، به دلیل سیاست‌های واقع‌بینانه دکتر مصدق و برنش و اعتدال او، هنوز در کنار نهضت ملی بودند و هنگامی که رهبری نهضت با «استفاده از این نیروی اجتماعی به دربار و شاه فشار می‌آورد، بالاخره گاهی زود و گاهی دیر، زمانی خونین و بار دیگر آسان‌تر تسلیم می‌شدند. تنها شاه و دربار نبودند که در

۱. همین مجموعه، صص ۱۸۸-۱۷۸.

۲. همین مجموعه، ص ۱۴۹.

معرض این فشار دولت ملی و نهضت ملی بودند، تأسیسات دیگر اجتماعی مانند مذهب و مجلس شورای ملی نیز در مورد [معرض؟] این آزمایش بودند... و کار پیش می‌رفت، ولی در مراحل بعد، به دلیل از دست رفتن سر رشته کار از دست دولت، ورق برگشت.^۱

حضور توده‌ای‌ها در صحنه

پیشرفت سیاست‌های حزب توده در مراحل پایانی کار مدیون دو عامل اصلی بود؛ یکی از این عوامل توفیق حزب توده در تحمیل انقلابی‌نمایی بر بخش‌هایی از نهضت ملی بود. به نوشته ملکی «... «توده انگلیسی»، وقتی می‌خواهد به دست «توده روسی» نهضت ملی و دکتر مصدق را شکست دهد البته نمی‌تواند صریح عقیده خود را بگوید، باید تظاهر به انقلاب دوآتشه و غیرعملی و غیرممکن شود که... از روح انقلابی جوانان و زحمتکشان انقلابی سوءاستفاده کنند...»^۲ علاوه بر نمونه‌هایی که ملکی در دیگر حوزه‌های عرصه تحولات سیاسی ایران در ایام از توفیق پیشبرد سیاست‌های حزب توده به دست می‌دهد که در ادامه به جوانی از آنها اشاره خواهد شد، بخش‌هایی از این نوشته به توضیح و افشاء نقش مخرب و تحریک‌آمیز تنی چند از اعضاء رهبری حزب زحمتکشان (نیروی سوم) اختصاص دارد که به ادعای ملکی در مقام ستون پنجم دشمن با رشته‌تحریکاتی، به‌ویژه در فاصله ۲۵ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، حتی نیروی سوم را نیز به گمراهی کشاندند.

اگرچه نقش این گروه که بعدها در ادبیات نیروی سوم به باند «خنجی و حجازی» معروف شدند در مراحل پیش از ۲۸ مرداد هنوز به درستی روشن نبود، ولی با تلاش آشکار آنها در مراحل بعد از کودتا برای برکناری خلیل ملکی و چیرگی کامل بر نیروهای باقی‌مانده از حزب زحمتکشان (نیروی سوم)، برای ملکی تردیدی در این زمینه باقی نماند. کما این که نوشت: «... ما امروز خوب متوجه هستیم که ستون پنجم حزب توده «انگلیسی روسی»، که حتی دو نفر از آنها... به کادر حزب راه یافته بود در داخل حزب ما و نهضت ملی چرا با آن‌همه جرأت بی‌شرمانه این کارها را

۱. همین مجموعه، ص ۱۲۵.

۲. همین مجموعه، ص ۱۶۷.